

بررسی و مطالعه باستان‌شناختی - تاریخی قلعه منوجان کرمان

معصومه برسّم

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

m.barsam92@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۰)

چکیده

قلعه منوجان (منوقان) یکی از استحکامات دفاعی و مهم قبل از اسلام در استان کرمان است که در قرون سوم و چهارم هجری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. نویسندگان و مورخان متعددی نظیر اصطخری، ابن حوقل، مقدسی، فرمانفرما، و... در کتب خود، به موقعیت جغرافیایی و تاریخی این منطقه و به قلعه نیز اشاره کرده‌اند و به دلیل موقعیت تجاری مطلوب، به بصره کرمان، معروف بوده است. سؤال اصلی تحقیق این است که سیر تحول و کارکرد قلعه منوجان، طبق منابع تاریخی، به چه صورت بوده است، سازه‌های معماری و داده‌های فرهنگی در محوطه قلعه چیست؟ هدف از این پژوهش، مطالعه و بررسی قلعه منوجان در متون تاریخی و شناخت سازه‌ها و داده‌های فرهنگی قلعه است. در این مقاله، اطلاعات اولیه به دو روش اسنادی و میدانی، گردآوری شده‌اند و پژوهش به روش توصیفی، تاریخی و تحلیلی صورت گرفته است. بر اساس داده‌های حاصل از بررسی باستان‌شناختی و مطالعه متون، مشخص گردید ناهمواری محل قرارگیری قلعه، سبب شده است که نظم هندسی مشخصی در قلعه وجود نداشته باشد. در گذشته برج‌ها و حصارهای عظیمی داشته است که بر اثر عوامل انسانی نظیر حمله و تخریب توسط قبایل غز و عوامل طبیعی نظیر باران‌های سیل‌آسا، ویران شده و در حال حاضر تنها سازه نسبتاً سالم این قلعه، برج بیضی شکل موسوم به برج نارنج است. طبق متون تاریخی و سفرنامه‌ها، قلعه منوجان بدلیل موقعیت مطلوب و اهمیت تجاری شهر منوجان، در ادوار مختلف و متناسب با شرایط زمان، کارکرد گوناگون مسکونی، نظامی و تدافعی داشته است.

واژگان کلیدی: منوجان، قلعه، بررسی باستان‌شناختی.

مقدمه:

بررسی‌های باستان‌شناختی دقیقی صورت نگرفته و تنها در منابع تاریخی و سفرنامه‌ها، به سیر تحولات تاریخی، ذکر رویدادها و جنگ‌ها در محدوده منوجان و قلعه آن، اشاره شده است.

پیشینه تحقیق:

فعالیت‌های میدانی و پژوهش‌های علمی درباره شواهد باستان‌شناختی دوره اسلامی در شهرستان منوجان اندک است. تنها در چند اثر، از جمله الاعلاق‌النفیسه به قلعه منوجان اشاره کرده است (ابن‌رسته، ۱۳۶۵، ص ۲۸۶). صاحب کتاب البلدان، به شهرها و قلعه‌های کرمان به صورت مختصر بویژه به «قلعه منوجان» پرداخته است (یعقوبی، ۱۳۹۳، ص ۶۲). در کتاب مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان، بانی سه قلعه بم، بلوچستان و منوجان، یک معمار بوده که بدواً قلعه بم و ثانیاً قلعه بمپور و ثالثاً قلعه منوجان را ساخته است (فرمانفرما، ۱۳۸۲، ص ۳۶۷). علیرضا دوراندیش در کتاب مینوجهان، پژوهشی درمورد تاریخ فرهنگی سیاسی و اجتماعی منوجان انجام داده و در یکی از فصل‌های آن، سیر حوادث تاریخی قلعه بصورت گذرا، توضیح داده است (دوراندیش، ۱۳۹۳، ص ۵۱-۴۸). وحید یزدانفر در کتاب گویش و رسوم مردم منوجان، پیشینه این شهر و قلعه آن بررسی کرده است (یزدانفر، ۱۳۸۹، صص ۴۵-۵۰). همچنین در سال ۱۳۹۱ مرمت قلعه منوجان به سرپرستی علیداد سلیمانی صورت گرفت و در حال حاضر نیز ادامه دارد. تنها پژوهشی که در مورد این بنا صورت گرفته پایان‌نامه کارشناسی

شهرستان منوجان با مساحت ۷۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب‌غربی کرمان واقع شده است. قرارگیری ناحیه منوجان، در جاده ارتباطی مرکز فلات ایران به جنوب‌شرق، شرق، هرمز و سواحل دریای عمان، به گسترش مراکز شهری آن در صدراسلام و سده‌های میانی اسلامی منجر شده است. سرزمین ایران با موقعیت خاص جغرافیایی خود، پیوسته دستخوش تهاجمات، جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها بوده و ناحیه کرمان و نواحی پیرامون آن، به دلیل قرارگیری بر مسیر راه‌های خراسان و سیستان و مرکز ایران، از پایگاه‌های ثابت راهزنان بوده و ساخت بسیاری از ارگ‌ها و قلاع، در جهت تأمین امنیت این راه‌ها کارکرد دفاعی و امنیتی داشته است (مستوفی، ۱۳۵۱، صص ۹۹-۱۰۱). اهمیت نظامی قلاع کرمان، همواره مورد توجه حاکمان محلی کرمان بوده و آنان در طول تاریخ، به بازسازی و تعمیر این بناها، اقدام نموده‌اند. یکی از این قلعه‌ها، قلعه منوجان است که در کنار مسیر ارتباطی کاروانهای تجاری این سرزمین، بر سر راههای کاروانرو و تجاری که از دریا به شرق و شمالشرق به کرمان و بالعکس، در تردد بوده‌اند، قرار داشته است. در استان کرمان، قلعه‌های ضرغام شهرستان کهنوج، رفیع‌آباد، چغوک‌آباد، جلال‌آباد، قلعه شهید، جمالی و قلعه شمس‌آباد در شهرستان نرماشیر بم، قلعه سلیمانی در غرب شهرستان جیرفت، سموران در حوضه جبالبارز از نظر کارکرد دفاعی و امنیتی قابل مقایسه با قلعه منوجان هستند. تاکنون درباره قلعه منوجان، کاوش و

ارشد آقای محمدی‌مقدم با عنوان مکان‌یابی شهر قدیم منوجان و پژوهشی در مورد قلعه آن در دوره اسلامی بر اساس داده‌های باستان‌شناسی در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه تربیت مدرس به انجام رسیده که نگاهی کلی به شهرستان منوجان و مکان‌یابی آن از منظر باستان‌شناسی دارد. اهمیت این مقاله در این است که از دیدگاه تاریخی کارکرد قلعه و سازه‌های معماری آن مورد مطالعه قرار داده است.

وجه تسمیه و موقعیت جغرافیایی قلعه منوجان

قلعه منوجان مرکب از دو کلمه مینو و جهان، به معنای بهشت جهان است (یزدانفر، ۱۳۸۹، ص ۵۰) اطلاق این نام به دلیل وفور باغات مرکبات و نخلستان‌های سرسبز این منطقه بوده و آن را به بهشت جهان تشبیه نموده‌اند به روایتی دیگر، کلمه منوجان، ریشه‌ای مغولی داشته که به معنای سرزمین خونی است (همان، ۵۰). شهرستان منوجان-در فاصله ۴۳۰ کیلومتری جنوب‌غربی

کرمان قرار دارد (نقشه ۱). از جنوب و غرب با شهرستانهای رودان استان هرمزگان و از شمال و شرق با شهرستان کهنوج همسایه است (همان، ۲۹) وسعت آن حدود ۴۰۷۸ کیلومتر مربع معادل ۳،۰۱ درصد مساحت استان را به خود اختصاص داده است. از نظر تقسیمات کشوری این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و آسمینون است. شهرستان منوجان شامل ۶ دهستان به ترتیب قلعه، نودژ، بجگان، دهگان، گشمیران و چاه شاهی است (نقشه ۲) (بنی‌اسدی، ۱۳۹۰، ص ۸۳). قلعه منوجان در شرق شهر منوجان و در مختصات جغرافیایی $23^{\circ}27'N$ ، $29^{\circ}49'E$ واقع شده است (تصویر ۱). این شهرستان در ارتفاع ۳۴۲ متر از سطح دریا و با بیشینه و کمینه دمایی بین ۵۰ و ۳- درجه سانتیگراد واقع شده است. دارای آب و هوایی گرم و نیمه مرطوب است، فصل بارش آن بصورت نامنظم از آبان تا اردیبهشت ادامه دارد (دوراندیش، ۱۳۹۳، ص ۲۱)

قلعه و شهر منوجان در منابع مکتوب

راجع به منوجان امروزی یا منوقان، بویژه قلعه آن، در منابع تاریخی اطلاعات اندکی وجود دارد. صاحب احسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم نخستین مورخ و جغرافی‌نگاری است که در قرن چهارم هجری، به تعدد از منوجان یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱، جلد ۲، ص ۳۶) وی ضمن به شمار آوردن منوجان در شمار مناطق کرمان می‌نویسد که: «منوقان که مردمان برای دیدارش بار سفر بندند» (همان، ۶۸۰) و به ارزان بودن بهای خرما، به صد

من یک درم در منوقان اشاره می‌کند و آن را از شهرهای جیرفت دانسته و می‌نویسد «منوقان بصره کرمان است و از آنجا خوار و بار خراسان از جمله خرمای نیک فراهم می‌شود» (همان، ۶۸۸). او منوجان را دیاری آباد معرفی کرده که مردم شهرهای دیگر، برای سیاحت به آنجا می‌روند و وی در خصوص اوضاع بسیار خوب بازرگانی و تجاری منوجان، می‌نویسد «منوقان خود در دو سوی دره خشک کلان جای دارد که یکی گوین و دیگری زامان، نام دارد و در میان آن دو دژ،

ص ۱۲۷). در عهد سلجوقیان ملک دینار غز پس از آن که جای خود را مستحکم کرد، مجاهد کوهبنانی را از میان برداشت آنگاه به نواحی گرمسیر رفت و سپس قصد قلعه منوجان کرد و به رسوایی تمام آنرا بگشاد و جنگی همراه با قتل و شکنجه و احراق به راه انداخت (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳، ص ۳۲). از قراین و شواهد، چنین بر می آید که قلعه و ارگ منوجان در همین سال (۵۸۳ ه.ق) به تصرف غزها در آمده است (دوراندیش، ۱۳۹۳، ص ۴۹). محمدبن ابراهیم نیز به راه تجاری حدفاصل بندر هرموز تا منوجان و رودبار، در عهد سلجوقی، چنین اشاره کرده: «راه هرموز از مهمترین راههای تجاری قرون میانه اسلامی است این راه، از سایر راههای تجاری جنوب ایران اهمیت بیشتری داشت؛ چرا که علاوه بر کوتاه تر بودن، سراسر مسیر آن آبادان بود. این راه از بندر هرموز که در عهد سلجوقیان کرمان، جزئی از قلمرو این دولت محسوب می شد و به عبارتی بارگه کرمان و پیش بندر میناب به شمار می رفت، شروع شده و پس از عبور از دره های رودان، جغین و منوجان به رودبار و سپس به جیرفت وارد می شد و از آنجا به بردسیر پایتخت آن زمان ایالت کرمان می رفت» (همان، ۱۲). (تصویر ۲ و ۳)

مابین دو دوره سلجوقی تا دوره مغول، از قلعه و شهر منوجان در منابع تاریخی، نامی برده نشده است. با سقوط دولت سلجوقیان و حمله غزها به کرمان و مکران، بندر تیز^۱ نیز اعتبار خود را از

مسجدی به نام سیان است، دوری آنها از دریا دو روز راه و تا «درهقان» چند روز است» (همان: ۶۸۹). یعقوبی در قرن سوم ه.ق، قلعه منوجان را با قلعه بم، جز قلاع شاخص حوزه کرمان معرفی کرده است: «شهرها و قلعه های کرمان عبارتند از «بیمند» و «خناب» و کوهستان و «کرستان» و «مغون» و «طمسکان» و «سروستان» و «قلعه بم» و «قلعه منوجان» و «نرماشیر» (یعقوبی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴). مؤلف صورالارض، قلعه منوجان را در جنوب جیرفت می داند «او می نویسد، از ابهرزنگان تا منوجان یک منزل و از منوجان تا هرمز، دو منزل» (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۷۴، ۸۰). اصطخری، از منوجان نام می برد و «منوجان را در غرب کوه های قفص، در منطقه ای گرمسیری دانسته و در ذکر مسافتات میان جیرفت تا هرمز، از «ابهرزنگان» تا منوجان را یک منزل و از منوجان تا هرمز را، دو منزل می نویسد» (اصطخری، ۱۳۴۰، ص ۱۴۰).

مؤلف ناشناخته حدودالعالم، به بخش ها و آبادی های منوجان، محصولات و طعام مردم چنین اشاره کرده است، «مغون و ولاشگرد، کومین، بهروکان، منوکان شهرک هایی اند خرد و بزرگ؛ از این شهرها نیل و زیره و نیشکر خیزد؛ در اینجا پانید (شکر سرخ) تولید کنند و طعامشان گاورس، نوعی ارزن است و ایشان را خرما بسیار است؛ رسم ایشان چنان است که هر خرمایی که از درخت بیفتد، خداوندان صاحبان درخت، بر ندارند البته و آن خرما درویشان بود» (حدودالعالم، ۱۳۶۲،

^۱ بندر تیز در ناحیه مکران، در سواحل دریای عمان قرار داشت. در این عهد مکران از ایالت های تحت سلطه حکومت کرمان بود. سلجوقیان کرمان به این بندر اهمیت میدادند به همین علت این راه ترقی میبمود و روز

به روز از جایگاه ممتازتری برخوردار می شد (خیراندیش، ۱۳۸۶، صص ۸۰-۸۱).

و بسیاری کشته شدند. مدت یک ماه بر این برآمد. لشکر از ظاهر منوجان به مرحله دیگر نشستند» (کتبی، ۱۳۶۴، ص ۸۲، ۸۳). سلطان احمد، به سمت قبله دعا کرد و به حرمت قرآن از خداوند خواست تا بایزید به دست او گرفتار شود تا در برابر بدی‌ها در حق او نیکویی کند. جنگ در گرفت سلطان بایزید فرار کرد اما سلطان احمد طبق نذری کرده بود از سر جرایم برادر در گذشت و او را مورد رحمت قرار داد و به منوجان فرستاد و از ساکنین منوجان مبلغی به عنوان غرامت گرفت و به خدمت برادرش فرستاد (همان، ۱۲۵).

در پایان قرن هشتم هـ ق سپاهیان تیمور به شهرهای ساحلی نزدیک هرموز کهنه یورش آوردند و هفت قلعه را در آنجا تسخیر کردند همه را سوزانیدند و محافظین آن قلاع بجزیره جرون گریختند. اسم این هفت قلعه را شرف‌الدین علی یزدی بدین قرار ذکر نموده است: قلعه میناب در هرموز کهنه، قلعه تنگ زندان، قلعه کشکک، قلعه منوجان، قلعه ترزک و قلعه تازیان (علی یزدی، ۱۳۳۶، ص ۵۹۰). منوجان در دوره گورگانیان نیز برای چندمین بار مورد تجاوز و تاخت تاز قومی دیگر قرار گرفت و در سال ۷۸۹ هـ ق لشکر امیر ایرکرد محمدشاه این منطقه را غارت کردند و از حمله افغان‌ها در امان نماند و جرمان‌ها در حمله کرمان، قلعه منوجان را تصرف کردند (دوراندیش، ۱۳۹۳، صص ۵۰-۵۱).

در دوره صفویه بعد از آن در دوره افشاریه و زندیه کمتر نامی از مناطق جنوبی کرمان در منابع آمده است و در این دوره‌ها با خلاء منابع در مورد

دست داد و از رونق افتاد (کرمانی، ۲۵۳۶، ص ۸۵). به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن این است که مسیرهای تجاری تغییر کرد و اهمیت منوجان در مسیر دسترسی به خلیج فارس بود کاهش یافت. همچنین در زمان آشوب و طوایف غز به سال ۵۸۶ هجری، ملک دینار سپاهی به قصد فتح قلعه به سوی منوجان گسیل داشت و آنجا را فتح کرد و غنایم زیادی را به چنگ آورد و اهالی قلعه را از دم تیغ گذراند و در سال ۷۶۹ هـ ق منوجان شاهد لشکرکشی قوم دیگری بود. قلعه منوجان که حدود سه ماه در محاصره بود با مذاکره، تسلیم لشکریان خود کرد (دوراندیش، ۱۳۹۳، ص ۵۰).

شاه شجاع از سلاطین آل مظفر، در قرن هشتم هـ ق، جهت انتقام از دو طایفه بزرگ مغول، اوغان و جرمان، به نواحی جیرفت و قلعه منوجان لشکرکشی کرد که این ماجرا در کتاب تاریخ آل-مظفر اینگونه است. «در غره محرم سنه ستین و سبع مایه جهت انتقام عصاه اوغان و جرمان، به جانب کرمان نهضت فرمود و دو سه روزی در کرمان بود بعد از آن متوجه گرمسیر شد و در بم چندان توقف نمود که عساکر جمع شد و از آنجا به جانب جیرفت متوجه شد، چون امرای هزاره خبر یافتند به طرف منوجان رفتند و در دره ترک، تحصن جستند. عساکر به ظاهر منوجان نزول کردند. هر چند به غایت گرم بود، تدبیر جز توقف نبود. در مبادی حال، شاه سلطان جمعی از نوکران خود را به قراولی فرستاد، دو سه کس کشته شدند. شاه شجاع در غصب رفت و سوار شد. جنگی سخت اتفاق افتاد. در زمان، اوغانیان منهزم گشتند

جنوب کرمان مواجه هستیم. به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن این است که مسیرهای تجاری تغییر کرد و اهمیت منوجان در مسیر دسترسی به خلیج فارس بود کاهش یافت. مناطق دیگر از جمله شهرهای جنوبی کرمان در حاشیه قرار گرفتند و اهمیت خود را از دست دادند.

در میان مورخان و جهانگردان، عبدالحسین میرزافرمانفرما، نگاهی ویژه به قلعه داشته و شرح کاملی از موقعیت آن و جزئیات آن در سفرنامه خود آورده است. «قلعه‌ای که در این نقطه ساخته شده است از قلعه‌های خیلی معتبر است و بالای تل سنگی مرتفع بنا شده که سرزن تمام تیررس-های حول و حوش است و در عرف مردم عوام، شهرتی تمام دارد که بانی قلعه بم، بلوچستان و منوجان، معمار آن یک نفر بوده و بدو قلعه بم و ثانیاً قلعه بمپور و ثالثاً قلعه منوجان را ساخته است؛ و برای اینکه در نقاط دیگر اینطور قلعه ساخته نشود بعد از اتمام قلعه منوجان، او را از برج نارنج قلعه که تا سطح زمین از ۷۰ و ۸۰ ذرع (معادل تقریبی ۱۴۰ متر) است به زیر انداخته و کشته‌اند، قلعه داری یک محوطه بسیار بزرگ است که در آن مسجد، بازار، حمام، عمارات و چاه‌های متعدد پوشیده، ساخته و حفر کرده بودند و بعد از آن در زمین بلندتری از آن یک فصیل ساخته‌اند که در آن انواع و اقسام غلامخانه و سربازخانه و قورخانه بوده است. نارنج قلعه‌ای است که در آن فراخور حوصله عمارات قراولخانه و نشیمن صاحب منصب بوده است و در یک طرف از آن نارنج قلعه، یک لوله برج بسیار بلندی ایجاد شده است که

سرزن تمام نقاط بوده است. یک همچون قلعه‌ای را که مسلماً مثل قلعه بم، بلکه به ملاحظات بهتر هم بوده است سالها آنرا تعمیر نکرده‌اند و طوری رو به انهدام گذاشته که از دور، هیولای آن به قلعه می‌ماند و همین که داخل آن شوی، یک عمارت و برج و یک بدنه حصار صحیح و نریخته ندارد و تمامش بایر و غامر است. خاک آن هم برای استحاله به شوره، خیلی مستعد و خوب است و مکرر از صفحات فارس و بنادر به اینجا آمده و از خاک آن شوره ساخته و برده‌اند. منوجان مزرعه‌ای است آبش از قنات و در جلگه وسیع واقع، مالکین آن مشهدی چراغ کدخدای طایفه تولکر و کسان او و محصولش شتویا، صیفیا، معادل ۴۰ خروار است و سیصد و چهارصد بوته نخل هم دارد لیکن متعلق به دستجردی و کوهچنگالی است و اهالی آن قریب پنجاه شصت خانوار است در گنوک اطراف قلعه سکونت دارند» (فرمانفرما، ۱۳۸۲، ص ۳۳۵).

لسترنج به وضعیت جغرافیایی قلعه، رودخانه و قنات اشاره کرده است: «در پنجاه میلی جنوب ولاشگرد، شهر مهم منوقان است که امروز به آن منوجان می‌گویند. این شهر در دو جانب دره خشکی موسوم به کلان واقع شده است. که یک جانب آن را گونین و جانب دیگر را زامان می‌گویند و قلعه‌ای که هنوز موجود است بین این دو قسمت وجود دارد با مسجدی موسوم به مسجد سیان در یک منزلی این محل، در ریگزاری در نزدیک به دریا، شهر درهقان واقع بوده که ظاهراً امروز اثری از آن پدیدار نیست. مسجد آن در وسط

این قلعه با وجود آنکه رو به خرابی نهاده باز از قتل مستحکم به شمار می‌رود و چون این قلعه در سرحد بشاگرد واقع شده، شاهد وقایع متعدد و مهمی بوده است. منوجان گاهی عرضه تاخت و تاز اقوام بیگانه قرار گرفته و شاهد چپاول و غارتگری بسیار بوده است.

شهر بوده و در باغستان آن نیل می‌روئیده، آب مشروب شهر از قنات‌ها بوده است. میان ولاشگرد و منوجان رودخانه‌ایست دارای چند شاخه که اکنون آنرا «رودخانه دزدی» گویند. اصطخری آن را رود «زنکان» و یاقوت، رود «راغان» نامیده است» (لسترنج، ۱۳۷۳، ص ۳۴۰). در اوایل سلطنت رضا شاه پهلوی، به عنوان یک مرکز نظامی در منطقه استفاده شده است (دوران‌دیش، ۱۳۹۳، ص ۵۰).

ساختار معماری و اقلیمی قلعه‌ها:

خود بودند که دسترسی به آن را دشوار می‌کرد (پازوکی، ۱۳۷۸، صص ۳۰۹-۳۱۳) با وجود تفاوت‌هایی که از نظر شکل و ابعاد، اندازه طرح و مصالح در این گونه قلعه‌ها وجود دارد، از لحاظ نوع مناسبات حاکم بر زندگی قلعه‌نشینان، تقریباً یکسان بوده‌اند. این مناسبات در کنار عوامل طبیعی و جغرافیایی منطقه، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری بافت ساختمانی و عملکرد بخش‌های قلعه بر عهده داشته و همه آنها را در نوع ویژه‌ای از معماری گرد آورده است (زارعی، حیدری‌باباکمال، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹). به طور کلی استحکامات دفاعی ایران را در قالب دو گونه کوهستانی و جلگه‌ای، می‌توان تقسیم‌بندی نمود (همان، ۲۰۰) برج و باروها، برجسته‌ترین و خارجی‌ترین نشانه‌ای این قلعه‌ها است. به طور معمول بر اساس طرح و نقشه از پیش تعیین شده و بر پایه هندسه منظمی ایجاد می‌گردیدند، اما قلعه‌های کوهستانی در بالای کوه‌ها و مناطق مرتفع با اشراف بر محیط پیرامونی خویش احداث می‌شدند. فرم و هندسه و تعداد

از نظر استقرار، قلاع ایران نسبت به وضع طبیعی محل و مصالح موجود در منطقه به اشکال مختلفی ساخته شده‌اند. چنانچه ساخت قلاع در ایران پیش از اسلام و ایران اسلامی ارتباط تنگاتنگی با ضروریات سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی داشت. از همین رو است که قلاع را در کوه‌های صعب‌العبور، کنار آب و چشمه‌سارها، پیرامون شهرها و مشرف بر آنها می‌ساختند و نقش آنها در تحولات سیاسی گوناگون مانند به قدرت رسیدن و سقوط حکومت‌ها، در بحران‌های داخلی و یورش اقوام بیگانه به عنوان پناهگاهی برای مخالفان سیاسی و نیز به عنوان هسته شکل‌گیری شهرها و پدید آمدن شهری در کنار آنها بسیار مهم بوده‌اند. در قلاع دوره اسلامی، شکل، جنس و تعدد برج و باروها به اهمیت و وسعت هر شهر و نیز به شرایط اجتماعی و طبیعی هر منطقه بستگی داشته است. اما عموم آنها دارای دیواری بلند، عریض و طولانی و برج‌های چند وجهی و یک یا چند دروازه برای ورود و خروج و گاهی نیز خندق در گرداگرد

نمانده است (تصویر ۵) ارتفاع حصارهای قلعه، با توجه به قرار گرفتن روی صخره‌های ناهموار از ۱۵ تا ۱۸ متر، متغیر است در بعضی قسمت‌ها، جهت استحکام و ممانعت از ریزش احتمالی دیوارها و کلاف‌بندی آنها در لابلای آن تنه‌های درخت خرما (مغ^۲) کار گذاشته‌اند. تنه خرما و لیف‌های آن، جهت استحکام در معماری کویری منطقه کرمان جایگاه خاصی دارد که نمونه آن در ارگ‌های راین و بم نیز مشاهده شده است (برسم؛ امیرحاجلو، ۱۳۹۴، ص ۱۱). ضخامت دیوارهای قلعه، با توجه به شرایط ناهموار صخره‌های سنگی، از ۲ تا ۳ متر است. جهت استحکام دیوارها و شرایط امنیتی مطلوب، ارتفاع پی سنگی حصارها در قسمت شمال غربی حدود ۳ الی ۴ متر است که از لاشه سنگ‌های کوچک و بزرگ، با ملات ساروج و مابقی آن با خشت ساخته شده است و جهت استحکام و پایداری خشت‌ها، در فواصل نامنظم، دو الی سه ردیف، آجر کار شده است. از منظره هوایی، فرم کلی قلعه بصورت یک مثلث نامنظم، روی صخره‌های ناهموار بنا شده است (تصویر ۴).

شرایط ناهموار طبیعی و اهمیت سوق‌الجیشی از ۱۵ تا ۱۸ متر متغیر است که به نظر می‌رسد در گذشته ارتفاع این برجها بیشتر بوده که به مرور زمان، تخریب شده‌اند. سالمترین قسمت قلعه در حال حاضر، حصار شمال غربی آن است (تصویر ۶)

برج‌ها با وضعیت بستر طبیعی در ارتباط بود (فرح- بخش؛ صفامنصوری، ۱۳۹۵، صص ۲۱۳-۲۱۴). قلعه‌های جلگه‌ای نوعی از معماری این سرزمین هستند که صرفاً در گرداگرد نقاط مسکونی احداث شده‌اند، زیرا برج و باروها برجسته‌ترین و خارجی‌ترین بخش این گونه معماری بوده است (پازوکی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۷).

الف: سازه‌های معماری قلعه

نمای بیرونی قلعه منوجان تقریباً ساده است. معماری قلعه، تحت شرایط ناهموار طبیعی روی صخره‌های سنگی شکل گرفته است. صخره‌ها از جنوب به سمت شمال کشیده شده‌اند و قلعه در انتهای شمالی آنها قرار دارد. در واقع به منزله شالوده قلعه هستند و سازه‌های معماری قلعه را، در مقابل بارانهای سیل‌آسا و حوادث طبیعی حفظ نموده است. شاکله اصلی قلعه از نمای بیرون، بر اساس حصارهای عظیم و حجیم و برجهای متعدد به فاصله‌های نامنظم در جهت شرق و غرب ساخته شده است. در بالاترین ارتفاع دیوارها، مزغل‌هایی نیز تعبیه شده که تنها در عکس‌های قدیمی قلعه، قابل مشاهده است و اکنون اثری از آن برجای مساحت تقریبی قلعه ۱۰۱۶۰ متر مربع است و حصارهای آن در سه جهت شمال، شمالغربی و جنوب‌شرقی کشیده شده‌اند و در حد فاصل این حصارها، آثار و بقایای ۱۲ برج نیم دایره، مشاهده می‌شود که ارتفاع این برجها با توجه به

۲. در گویش بومی مردم جنوب کرمان به درخت خرما مغ گفته می‌شود. از لیف آن جهت استحکام دیوارهای خشتی استفاده می‌شده که در اصطلاح معماری به آن سازو می‌گویند (ورجاوند، ۱۳۵۲، ص ۳).

که حدود ۱۵ متر ارتفاع و دارای ۶ برج نیم دایره‌ای به ارتفاع تقریبی ۱۳ متر و در این ضلع تزئینات اندک آجری دیده می‌شود (تصویر و طرح ۷). قسمت شمال شرقی قلعه به نسبت دیگر بخش‌های قلعه آسیب بیشتری دیده است تنها بخشی از آجر و سنگ برج‌ها باقی مانده است. تنها ورودی قلعه در جهت غرب واقع شده است. حصار غربی قلعه، دارای ۵ برج نیم‌دایره ای است که سه تا از آنها تقریباً سالم مانده است. در جبهه جنوب شرقی آن، یک برج دفاعی عظیم با ارتفاع ۱۳ متر وجود دارد که از نظر قطر، بزرگترین برج شناخته شده قلعه است و جهت استحکام بیشتر چهار عدد پشت‌بند، به آن الحاق شده است (تصویر ۸).

در ارتفاع ۱۰ متری این برج، تزئینات آجری معقلی به چشم می‌خورد (تصویر ۹). وجود برج‌هایی با نمای خشت در کنار برج‌هایی با نمای آجر، نشان از دوره‌های متفاوت معماری آنها دارد. دیوار جنوبی قلعه، از خشت ساخته شده و این دیوار به اتاقک خشتی در ضلع غربی منتهی می‌شود که به مرور زمان تخریب شده و امروزه آثار و بقایای اندکی از آنها باقی مانده است. در قسمت مرکزی قلعه بلندترین برج خشتی و آجری، معروف به برج نارنج قرار دارد که به نظر می‌رسد با توجه به قرار گرفتن در نقطه مرکزی و مرتفع قلعه، جهت استحکام از فرم بیضی، برای طراحی نقشه و ساختار آن استفاده شده است. ارتفاع آن به طور تقریبی ۱۸ متر که جهت استحکام در قسمت زیرین برج بیش از سه متر سنگ‌چین و در ردیف بالا آجر و چوب تا انتهای آن کار شده و بر بدنه،

تزئینات آجری در فواصل معینی بصورت نواری دور تا دور برج تکرار و دو روزنه با ابعاد متفاوت و یک ورودی وجود دارد. فضای داخلی آن از سه طبقه تشکیل شده است. در واقع برج نارنج، مرکز مهم استراتژیک و دیده‌بانی و اطراف قلعه است (تصویر ۱۰). به گونه‌ای که در گذشته، از بالای آن عبور و مرور کاروانیان و یا راهزنان، کنترل می‌شده است. از محل قرارگیری این برج به سمت جنوب شرق، به علت شکل خاص کوه، از ارتفاع محوطه قلعه کاسته شده است. از سازه‌های داخلی و محدوده اطراف قلعه، اثری باقی نمانده تنها در سفرنامه فرمانفرما، به وجود غلامخانه، سربازخانه و قورخانه در محدوده بیرون آن، به مسجد، بازار، حمام، عمارات و چاه‌های متعدد، اشاره شده است. که در صورت کاوش‌های باستان‌شناسی در آینده، سازه‌های معماری آن قابل مشاهده و ارزیابی است.

ب: مصالح

نظام تدافعی بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، افزون بر عوامل امنیتی، از ویژگی‌های اقلیمی نیز تأثیر می‌پذیرفت. در نواحی کویری فلات ایران برای ساخت استحکامات تدافعی، بیشتر از خشت و آجر استفاده می‌شد. حال آنکه در مناطق کوهستانی، استفاده از سنگ، دست‌کم برای پی بنا رواج داشت (راعی، ۱۳۹۱، ص ۵۰). کاربرد گل و خشت در مناطق بیابانی و خشک، دلایل اقلیمی و کاربرد فنی داشته است زیرا در این گونه مناطق هیچ نوع مصالح دیگری در زیراشعه سوزان آفتاب در گرمای تابستان این مناطق، به خوبی خشت و

جلوگیری می‌کرد و این با جنبه نظامی و امنیتی این‌گونه بناها ارتباط مستقیمی داشته‌است. مصالح قلعه با توجه به پی دیوارهای برجای مانده سنگ-های تراشیده و نتراشیده، قلوه سنگ است. برای ساختن قلعه، از مصالحی علاوه بر سنگ، نظیر خشت و آجر استفاده شده است (تصویر ۱۱). پوشش و استحکام بنا از ملات ساروج، آهک و کاهگل استفاده شده است و جهت جلوگیری از رانش و ریزش دیوارها، از انواع چوب‌ها بومی منطقه نظیر تنه خرما و درخت کهور استفاده شده است (تصویر ۱۲).

ج: یافته‌های باستان‌شناسی در محدوده قلعه

در بررسی‌های باستان‌شناختی این قلعه علاوه بر آثار و بقایای معماری که در بالا اشاره شد در محدوده اطراف آن شیشه، تکه سفال‌های خرد شده لعاب‌دار، قالبی، بی‌لعاب و بقایای کوره آجرپزی در روستای یوسف‌آباد حدود سه کیلومتری قلعه بدست آمده است (تصویر ۱۴).

شیشه:

تعدادی قطعات شیشه‌ای از محوطه پیرامون قلعه، شامل بدنه و لبه بدست آمده است (تصویر ۱۳).

سفال:

سفال به عنوان مهمترین و فراوانترین ماده فرهنگی در بیشتر محوطه‌های باستانی است. در بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی که هدف آن آگاهی به هنر، تاریخ و فرهنگ اقوام گوناگون است، آثار سفالین قدر و ارزش ویژه‌ای دارد. این ویژگی بیشتر از آن جهت است که مطالعه و بررسی آثار سفالی هر قوم در ادوار گذشته گشاینده راهی است

گل، مقاوم نبوده در فصل سرما نیز عایق مناسبی برای جلوگیری از انرژی گرمایشی درون فضاها است. گل و خشت بعد از خشک شدن یک توده یک دست و مقاوم را بوجود می‌آورد که در برابر گرما و تابش خورشید بصورت یک عایق حرارتی عمل می‌کند (شاطریان، ۱۳۸۸، ص ۳۷۸). بهره‌گیری از خشت به دلیل همسازی آن با اقلیم، قابلیت‌های گرمایشی و سرمایشی آن در زمستان و تابستان و ویژگی‌های عایق‌کاری آن است. همچنین دیوارهای قلعه تا حدی ضخیم ساخته شده تا علاوه بر استحکام بیشتر، در برابر تابش طولانی نور خورشید و جلوگیری از نفوذ حرارت نیز مقاوم‌تر باشد. سهولت کاربرد خشت و مقاومت آن همراه با ملات گل از نظر فنی نسبت به آجر و ملات گل یکی دیگر از دلایل استفاده از آن است. در مناطق گرم و خشک به علت تابش شدید نور خورشید در تابستان و سرمای زمستان، جهت قرارگیری ساختمان‌ها در سمت جنوب تا جنوب-شرقی است تا بیشترین میزان انرژی را در فصل زمستان دریافت کند (همان، ۱۰۰). معماری قلعه به صورت بومی و هماهنگ با شرایط فرهنگی منطقه بوده است. قلعه منوجان با توجه به قرار گرفتن در اقلیم گرم و خشک به صورت درون‌گرا با یک حیاط مرکزی به همراه اتاق‌ها و سایر فضاهای معماری داخل آن ایجاد شده که با استفاده از دیوارهای حائل از یکدیگر جدا شده و تنها راه ارتباطی داخل و خارج آنها از طریق یک در ورودی و خروجی است. به این معنا که در هنگام تهدیدها، از وابستگی ساکنان قلعه به بیرون

برای آگاه شدن از تفکر، باورهای مذهبی، سرانجام تاریخ و ارتباط ملت‌ها با یکدیگر. یک قطعه سفال حاوی اطلاعات گویایی است از زندگی اقوام گذشته (کیانی، ۱۳۸۰: ۲). طبق بررسی‌های میدانی انجام شده از سطح محوطه قلعه، تعداد ۱۴ قطعه سفال گردآوری و مورد مطالعه قرار گرفت.^۳ سفالهای دوره اسلامی محدوده قلعه براساس دو متغیر نوع پوشش و ساده یا منقوش به چهار گروه تقسیم شدند: سفال بدون لعاب و شانه‌ای، سفال بدون لعاب و منقوش، سفال لعابدار ساده، سفال لعابدار و منقوش

الف) سفال‌های بدون لعاب و شانه‌ای:

سفال‌های بدون لعاب، بیشتر جنبه کاربردی داشته است که بیشترین نوع سفال‌های قلعه از این گونه سفالی هستند. خمیره این سفال‌ها قهوه‌ای و دارای پخت کافی هستند (تصویر ۱۵).

ب) سفال منقوش بدون لعاب:

که شامل ۱ - با نقش قالب زده ۲ - با نقش کنده در میان قطعات سفالی گردآوری شده، یک قطعه سفال بدون لعاب منقوش بدست آمد که قابل

سفال نقش کنده: این نوع سفال، از متداولترین تزئینات سفال، در اوایل اسلام بوده که بدون وقفه در دوره‌های بعد ادامه داشته است (توحیدی، ۱۳۷۸، ص ۲۵). سفالهای بدون لعاب با نقش کنده

انتساب به قرون میانه اسلامی است (شماره ۱۱) این سفال دارای خمیره نارنجی مایل به قهوه‌ای و پوشش کرم‌رنگ سطح بیرونی آن است که با نقوشی قهوه‌ای تیره نقاشی شده است. چنین سفالهایی در فارس، توسط سامنر در سال ۱۹۷۲ میلادی تحت عنوان سفال مادآباد شناسایی و معرفی شده است و با سفالهای سی‌سخت و دائودختر فارس مقایسه و به قرون دوازده تا چهارده میلادی تاریخگذاری شده است (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵). صدیقیان و غلامی، در مقاله خویش به بررسی و تحلیل نتایج به دست آمده در پژوهش‌های گذشته با استفاده از یافته‌های جدید همان مناطق و نیز معرفی و داده‌های جدید بدست آمده بخش‌های دیگر ایران پرداخته‌اند. از مهمترین نتایج این پژوهش می‌توان به نکاتی چون پراکنده بودن این سفال در محوطه‌های با ارتفاع بیش از ۱۶۰۰ متر، پراکنده بودن این سفال در جنوب غرب و دیگر مناطق ایران، انتساب تولید و تاریخ این سفال به دو دوره قرون میانه و متأخر اسلامی اشاره کرد (قرن پنجم تا یازدهم ه.ق) (همان، ۱۳۵). (تصویر ۱۶)

قلعه منوجان دارای پخت کافی هستند (شماره - های ۵ - ۷، ۹ - ۱۰، ۱۲ - ۱۴) طیفی از سفالهای نخودی تا نخودی مایل به قهوه‌ای را در برمی‌گیرد که نقوش با عمق بسیار کم (۲ - ۱ میلی‌متر) بر بدنه،

^۳ . سفالها پس از مطالعه، به بخش‌های مختلف قلعه برگردانده شدند.

سفالهای بدون لعاب با نقش‌کنده قلعه منوجان دارای پخت کافی هستند (شماره‌های ۵-۷، ۹-۱۰، ۱۲-۱۴) طیفی از سفالهای نخودی تا نخودی مایل به قهوه‌ای را در برمی‌گیرد که نقوش با عمق بسیار کم (۲-۱ میلی‌متر) بر بدنه، کنده شده که عمدتاً به صورت خطوط موج موازی با هم، افقی، زیگزاگی، مثلثی، سوزنی، شانه‌ای با طرح‌های متنوع است که قابل تاریخگذاری به قرون میانه اسلامی (قرن پنجم - هشتم هجری قمری) هستند. این گونه از سفال‌ها حجم زیادی از سفال‌های محوطه را تشکیل می‌دهند. نشان از تولیدات گسترده و استفاده زیاد از این نوع سفال در این منطقه دارد.

تعداد دو قطعه از سفال‌ها (شماره‌های ۱ و ۳) دارای سطحی بدون نقش با پخت کافی هستند که با لعاب یکرنگ سبز و خمیر نخودی ساخته شده‌اند.

در میان سفال‌های گردآوری شده، تنها دو قطعه سفال لعابدار منقوش بدست آمد (شماره ۴) که با نقش هندسی و تکنیک زیر لعاب و رنگ سفال آبی و سفید با نقوش هندسی به رنگ آبی زیر لعاب سفید ساخته شده است که از نظر رنگ و جنس شباهت به سفال ارگ بم دوره صفوی و قطعه (شماره ۲) با لعاب فیروزه‌ای، نقش مشکی هندسی که از نظر طرح نقش و رنگ لعاب شباهت زیادی به سفال‌های شهر قدیم جیرفت دارد (جدول ۱). قطعه (شماره ۲) به نظر می‌رسد از لحاظ زمانی متعلق به قرون میانه اسلامی است. مطالعه انجام شده در این پژوهش نشان داد سفالهای بدون لعاب

کنده شده که عمدتاً به صورت خطوط موج موازی با هم، مثلثی، سوزنی و نقش‌کنده شانه‌ای با طرح‌های متنوع است (تصویر ۱۷). (ج) سفال لعابدار ساده:

متداولترین سفالینه‌های تولید شده در ایران پیش و پس از ظهور اسلام، سفال‌هایی با لعاب یکرنگ پوشیده شده و در اکثر مراکز سفالگری تولید می‌شدند (کیانی، کریمی، ۱۳۴۴: ۳۰). تعداد دو قطعه از سفال‌ها (شماره‌های ۱ و ۳) دارای سطحی بدون نقش با پخت کافی هستند که با لعاب یکرنگ سبز و خمیر نخودی ساخته شده‌اند. (تصویر ۱۸)

(د) سفال لعابدار و منقوش:

در میان سفالهای گردآوری شده، تنها دو قطعه سفال لعابدار منقوش بدست آمد (شماره ۴) که با نقش هندسی و تکنیک زیر لعاب با خمیره (کائولین) گل سنگی و رنگ سفال آبی و سفید با نقوش هندسی به رنگ آبی زیر لعاب سفید ساخته شده است. (تصویر ۱۹) قطعه (شماره ۲) با لعاب لاجوردی و نقش هندسی به رنگ مشکی است (تصویر ۲۰).

در بررسی‌های سطحی از قلعه منوجان، علاوه بر آثار معماری که بدان اشاره شد، قطعات اندکی سفالینه خرد شده، بدست آمده است. خمیره این سفال‌ها قهوه‌ای و دارای پخت کافی هستند. سفال‌های بدون لعاب و منقوش با (شماره ۱۱) دارای خمیره نارنجی مایل به قهوه‌ای و پوشش نخودی-رنگ سطح بیرونی آن است که با نقوشی قهوه‌ای تیره نقاشی شده است.

با نقش‌کنده بیشترین گونه از سفال‌های این منطقه را تشکیل می‌دهند که قطعه (شماره ۱۴) قابل مقایسه با سفال‌های شهر قدیم جیرفت است.

طبق مطالعات میدانی آقای محمدی مقدم برخی از سفالهای این قلعه با نمونه‌های بندر مهروبان و قصر ابونصر و حتی عمان در اواخر دوره ساسانی و تعدادی با سفال‌های جیرفت و سیستان در اواخر دوره اسلامی قابل مقایسه هستند. به طور کلی بیشتر سفالهای قلعه، یادگار قرون چهارم تا هفتم هجری هستند (محمدی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۹۴).

نتیجه‌گیری:

کارکرد اصلی قلعه‌ها و ارگ‌ها در حوزه استان کرمان، تأمین امنیت کاروان‌ها در مقابل راهزنان بوده است حضور راهزنانی همانند اقوام قفص، بین راه تجاری هرمز به جیرفت و کرمان ضرورت ساخت، چنین قلعه‌ای را ایجاد کرده است با توجه به وضع جغرافیایی منطقه و قرار گرفتن آن بین راه تجاری به نظر می‌رسد این قلعه عظیم خشتی، جنبه حکومتی - نظامی داشته و همیشه پادگانی مجهز و نیرومند با تمام تجهیزات در آن آماده دفاع بوده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قلعه منوجان نقشه‌ای نامنظم دارد و به دلیل جنگ‌ها و عوامل طبیعی سازه‌های معماری آن به مرور زمان دچار تغییر و تحول شده‌اند. قرارگیری قلعه بر روی تپه - ای مشرف به منطقه باعث شده که عبور و مرور کاروانها به سادگی تحت نظر باشد و مکانی امن و همراه با آرامش برای ساکنان قلعه فراهم سازد. این قلعه با توجه به قرار گرفتن در اقلیم گرم و خشک بصورت درونگرا با یک حیاط مرکزی همراه با اتاق‌ها با سایر فضاهای معماری ایجاد شده و تنها

راه ورودی و خروجی آن از طریق یک گذرگاه صخره‌ای است. در نمای بیرونی برج‌ها از تزئینات آجرکاری بصورت یک نوار تزئینی استفاده شده که به دندان موشی مشهور است. بهره‌گیری از مصالح بومی چون خشت باعث شده که این قلعه در فصول سرد و تابستان‌های گرم و طاقت‌فرسا شرایط یک زندگی مطلوب را فراهم نموده است. نتایج متون تاریخی نشان می‌دهد که حداقل در سه برهه تاریخی این منطقه مورد حمله قبایل بیابانگرد و راهزن قرار گرفته است با سقوط دولت سلجوقیان و حمله غزها این قلعه اعتبار خود را از دست می‌دهد اما مجدد در دوره آل مظفر احیاء و محل استقرار دو طایفه مغول به نام‌های اوغان و جرمان می‌شود تا اینکه شاه‌شجاع این قلعه را تسخیر می‌کند و نیز این قلعه در پایان قرن هشتم توسط سپاه تیمور تصرف می‌شود. سرانجام در اوایل سلطنت رضاه شاه پهلوی، توسط مهیم‌خان مالکی به عنوان یک مرکز نظامی در منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. تنوع گونه‌های سفال حاکی از رونق سفالگری و موقعیت تجاری این شهر در دوره اسلامی بخصوص دوره سلجوقی دارد. طبق بررسی میدانی انجام شده از سطح محوطه قلعه، تعداد ۱۴ قطعه سفال برای مطالعه، گردآوری و مورد مطالعه قرار گرفت. سفال‌های دوره اسلامی محدوده قلعه براساس دو متغیر نوع پوشش و ساده یا منقوش به چهار گروه تقسیم شدند: سفال بدون لعاب و ساده، سفال بدون لعاب و منقوش، سفال لعابدار ساده. سفال لعابدار و منقوش. سفال‌های بدون لعاب با نقش‌کنده بیشترین گونه از سفال‌های

فرهنگی کشور، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۳۱۴-۲۹۷.

توحیدی، فائق، ۱۳۷۸، فن و هنر سفالگری، تهران: انتشارات سمت.

حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: طهوری.

دوراندیش، علیرضا، ۱۳۹۳، مینوجهان، کرمان: انتشارات فرهنگ عامه.

راعی، حسین، ۱۳۹۱، برج‌های دیده‌بانی: عناصر نوشناخته‌ای از نظر دفاعی حومه نیاسر کاشان، نشریه مرمت و بافت آثار تاریخی، فرهنگی، سال دوم، شماره چهارم، ۶۵-۴۷.

زارعی، محمدابراهیم؛ یدالله حیدری باباکمال، اهمیت قلاع و استحکامات دوره قاجار منطقه شهداد در برقراری امنیت اجتماعی حاشیه غربی کویر لوت، پژوهش‌های باستان‌شناسی، شماره ۶، ۱۳۹۳، دوره چهارم، ۱۹۵-۲۱۱.

شاطریان، رضا، ۱۳۸۸، اقلیم و معماری، تهران: سیمای دانش.

صدیقیان، حسین؛ غلامی، حسین، سفال اسلامی منقوش بدون لعاب (شبه پیش از تاریخ) ایران، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال سوم و چهارم، ۱۳۹۱، شماره ششم و هفتم، ۱۳۴-۱۴۲. علی‌یزدی، شرف‌الدین، ۱۳۳۶، ظفرنامه، به تصحیح اهتمام محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

علیدادسلیمانی، نادر، ۱۳۹۱، گزارش و مرمت قلعه منوجان، صنایع دستی و گردشگری جیرفت.

این منطقه تشکیل می‌دهند. سفالهای این قلعه با نمونه‌های بندر مهربان و قصر ابونصر و حتی عمان در اواخر دوره ساسانی و تعدادی با سفال‌های جیرفت، ارگ بم و سیستان در اواخر دوره اسلامی قابل مقایسه هستند. به طور کلی بیشتر سفال‌های قلعه، یادگار قرون چهارم تا هفتم هجری هستند.

منابع فارسی

ابن‌حوقل، ۱۳۶۶، سفرنامه ابن‌حوقل، ترجمه و تصحیح جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ابن‌رسته، احمدبن عمر، ۱۳۶۵، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ادریسی، محمدبن محمد، ۱۳۹۱، انس المهج و حدائق الفرج، گردآورنده بیگ باباپور، یوسف، قم: مجمع ذخایر اسلامی.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۴۰، مسالک الممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

برسم، معصومه؛ امیرحاجلو، سعید، ۱۳۹۴، عوامل امنیتی مؤثر بر ساختارهای معماری ارگ راین کرمان، مشهد: دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، ۱۵-۱.

بنی اسدی، علیرضا، ۱۳۹۰، ویژگی‌های استان کرمان از دیدگاه تقسیمات کشوری و جمعیتی سال ۹۰، کرمان: معاونت برنامه‌ریزی استان کرمان. دفتر آمار و اطلاعات.

پازوکی، ناصر، ۱۳۷۶، استحکامات دفاعی در دوره اسلامی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

_____، ۱۳۷۸، شهر و نقش دفاعی شهرها، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و معماری و شهرسازی، جلد ۲، تهران: سازمان میراث

مستوفی، حمدالله ابن ابی‌بکر، ۱۳۶۴، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

مقدسی، ابو عبدالله محمد ابن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، جلد ۲، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.

ورجاوند، پرویز، ۱۳۵۲، خشت و نقش عامل پوشش و اندود در حفظ بناهای خشتی، مجله هنر و مردم، شماره ۱۳۳، ۲-۶.

یزدانفر، وحید، ۱۳۸۹، گویش و رسوم مردم منوجان، با مقدمه پرفسور سید حسن امین، تهران: انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، ۱۳۹۳، مؤلف دکتر محمد ابراهیم آیتی، جلد ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

-Carswell, Gohn, (2000), Blue and white, British Museum.

-Watson, Oliver, (2004), ceramic from Islamic lands, thames Hudson, London.

فرح‌بخش، مرتضی؛ صفامنصوری، هادی، ۱۳۹۵، بازشناسی استحکامات دفاعی ارگ بم، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۰، دوره ششم، ۲۳۱-۲۱۱.

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا، ۱۳۸۲، مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان، تهران: نشر اساطیر.

کتبی، محمود، ۱۳۶۴، تاریخ آل مظفر، عبدالحسین نوایی، تهران: نشر امیرکبیر.

کریمی، فاطمه؛ محمدیوسف کیانی، ۱۳۶۴، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران.

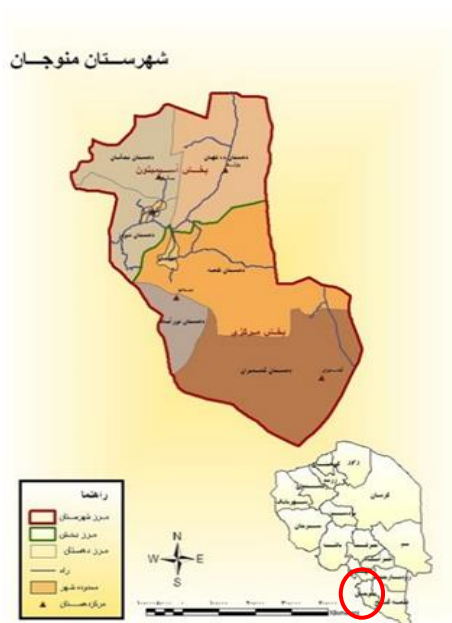
کیانی، محمدیوسف، ۱۳۸۰، پیشینه سفال و سفالگری در ایران، تهران: انتشارات نسیم دانش.

لسترنج، گای، ۱۳۷۳، جغرافیای تاریخی سرزمین خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

محمدی‌مقدم، محمدرضا، ۱۳۹۵، مکان‌یابی شهر قدیم منوجان و پژوهشی درباره قلعه آن در دوره اسلامی، بر اساس داده‌های باستان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگده علوم انسانی، تربیت مدرس.

محمد بن ابراهیم، ابراهیم، ۱۳۴۳، سلجوقیان و غز در کرمان، با مقدمه باستانی پاریزی، تهران: طهوری.

مستوفی، احمد، ۱۳۵۱، شهداد و جغرافیای تاریخی دشت لوت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

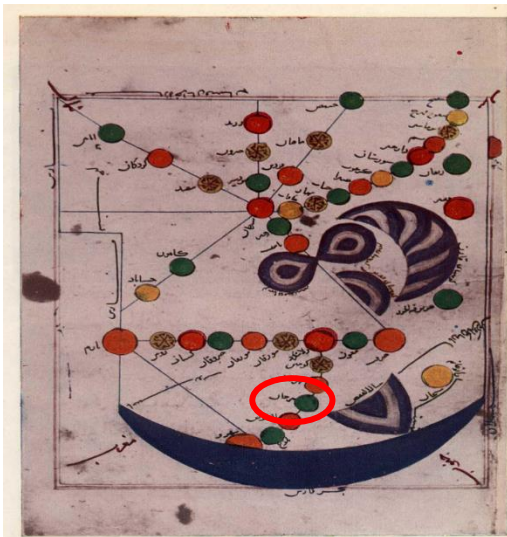
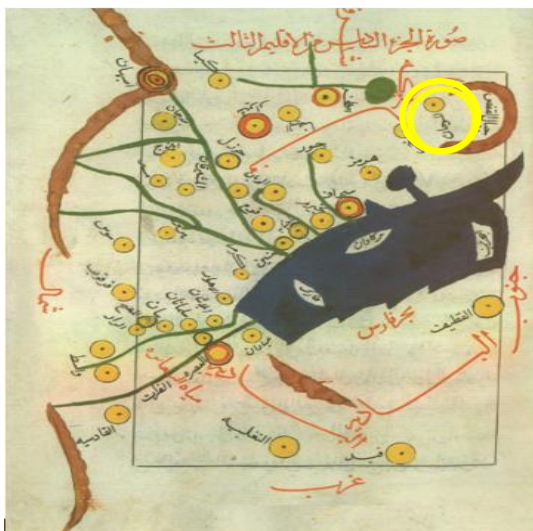


نقشه ۲. گستره جغرافیایی شهرستان منوجان (sked.co.ir)

نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی کرمان روی نقشه ایران (www.tishineh.com)



تصویر ۱. عکس هوایی شهر منوجان و مختصات جغرافیایی آن (Google Earth)



تصویر ۲. موقعیت منوجان اصطخری، نسخه خطی ترجمه مسالک و الممالک، (ایرج افشار، ۱۳۴۰: ۱۳۹) تصویر ۳. موقعیت منوجان (ادریسی، ۱۳۹۱: ۵۹)



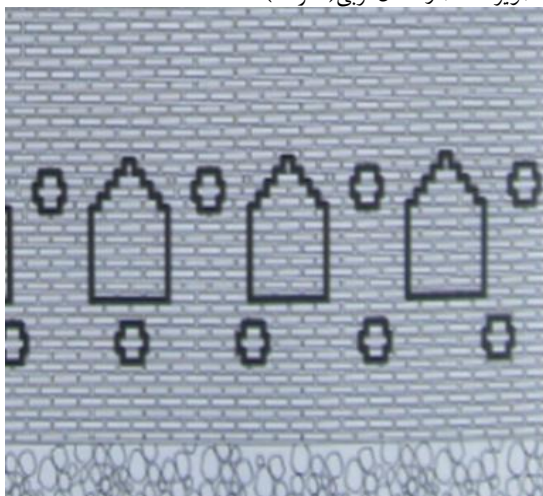
تصویر ۴. پلان و عکس هوایی از قلعه منوجان و نمای سه بعدی از غرب قلعه (علیداد سلیمانی؛ دیگران، ۱۳۹۱)



تصویر ۶. حصار شمال غربی (نگارنده)



تصویر ۵. وجود مزغل در باروی جنوب غربی قلعه (محمدی مقدم، ۱۳۹۵: ۸۲)

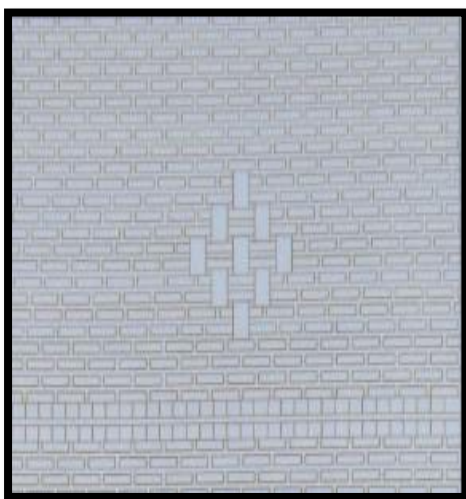


تصویر ۷. تزئینات حصار غربی (نگارنده) و طرح تزئینات (عارف مشایخی، محمدشیرازی، علیرضا مشایخی، ۱۳۹۰)

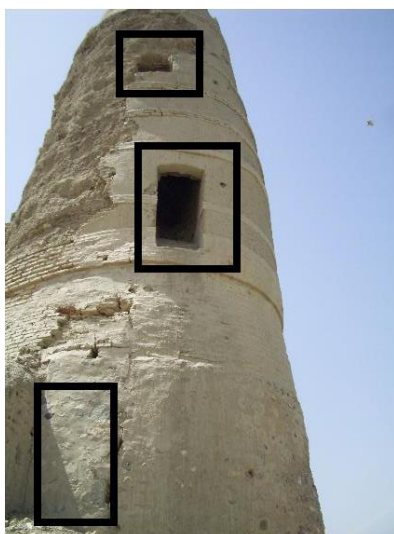




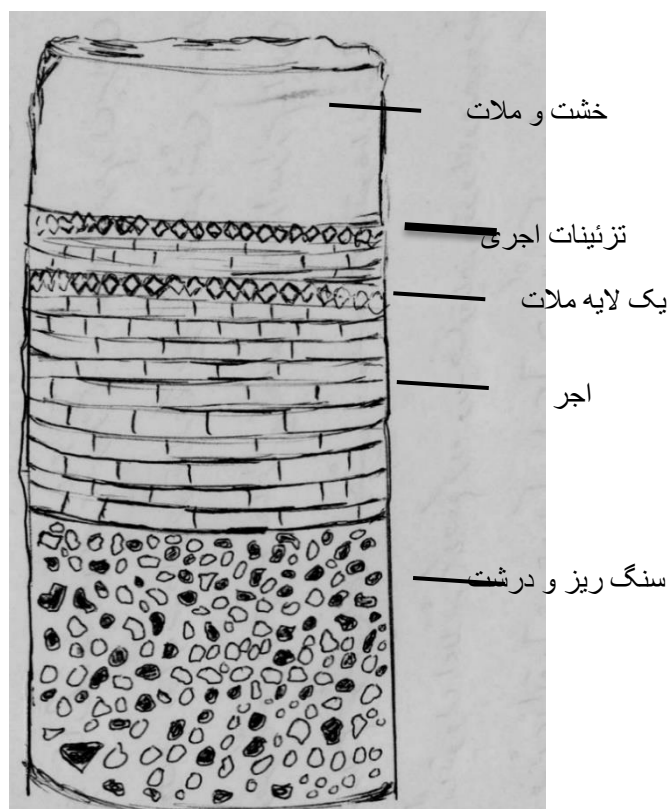
تصویر ۸. برج جنوب شرقی با چهار پشتبند (نگارنده)



تصویر ۹ عکس (نگارنده) و تزئینات برج جنوب شرقی (طرح از عارف مشایخی، محمدشیرازی، علیرضا مشایخی، ۱۳۹۰)



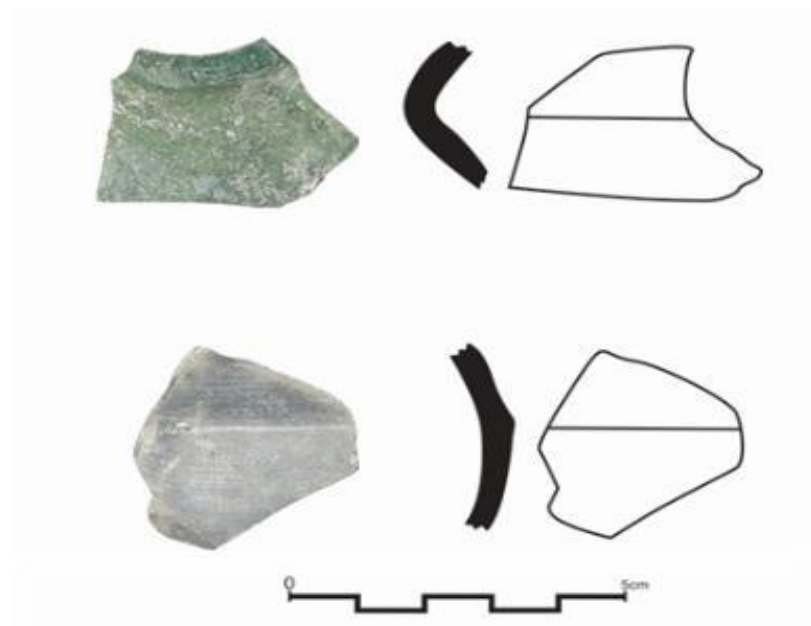
تصویر ۱۰. برج مرکزی بادو پنجره و ورودی مسدود شده از نمای شرق و جنوب شرق قلعه (نگارنده)



تصویر ۱۱. جزئیات مصالح برجهای غرب قلعه (یوسف فاریابی)



تصویر ۱۲. بقایای اتصالات چوبی در دیواره شمالغربی (نگارنده)



۱۳. اشیای شیشه‌ای بدست آمده از قلعه منوجان (محمدی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۰۵).



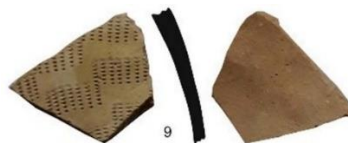
۱۴. کوره‌های آجرپزی دید از غرب و شمال، پراکندگی جوش‌های آجری کوره (محمدی مقدم، ۱۳۹۵)



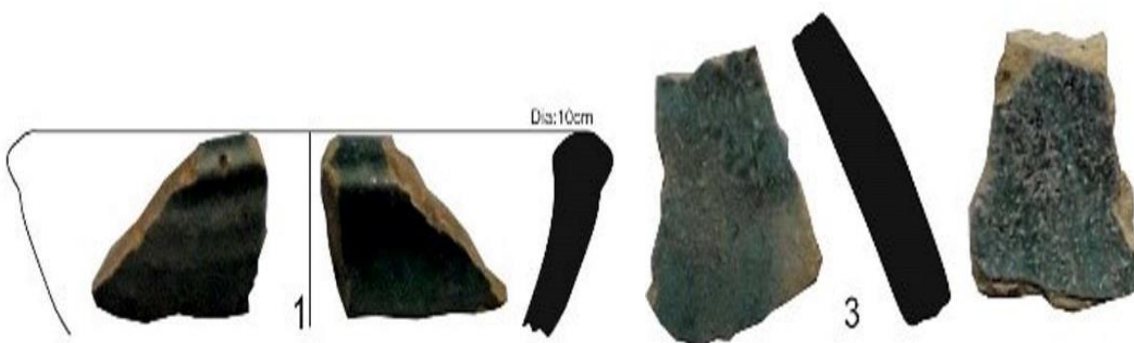
تصویر ۱۵. سفال‌های بدون لعاب شانهای، طراح: ابراهیم خادم، شماره (۱۳ و ۸)



تصویر ۱۶. سفال منقوش بدون لعاب طراح: ابراهیم خادم، شماره (۱۱)



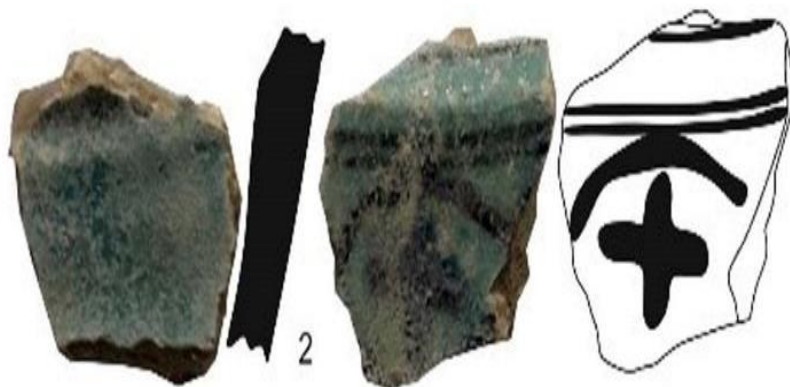
تصاویر ۱۷. سفال نقش‌کنده طراح: ابراهیم خادم، شماره (۱۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰)



تصویر ۱۸. سفال لعابدار ساده طراح: ابراهیم خادم، شماره (۱، ۳)



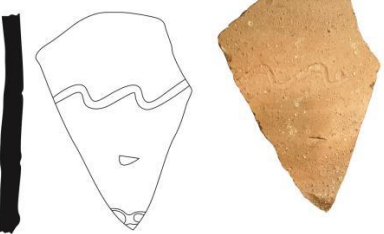
تصویر ۱۹ سفال لعابدار منقوش طراح: ابراهیم خادم، شماره (۴)



تصویر ۲۰. سفال لعاب دار منقوش، طراح: ابراهیم خادم، شماره (۲)

جدول ۱. تطبیق نمونه سفال‌های مورد مطالعه، سفال‌های لعابدار و منقوش (قطعه شماره ۲ و ۴) (نگارنده، ۱۳۹۶)

تصویر سفال	مأخذ	ملاک سنجش			حوزه مقایسه	قدمت ه.ق	نوع
		نوع خمیر	رنگ لعاب	طرح نقش			
	-	گلی	فیروزه‌ای	هندسی (صلیب)	*	منوجان	بدنه

	-	خمیر سنگ	آبی سفید	هندسی (صلیب)	*	جیرفت	-	بدنه
	-	خمیر سنگ	آبی	هندسی	*	منوجان	-	بدنه
	-	خمیر سنگ	آبی	هندسی	*	ارگ بم	صفوی	لبه
	—	گلی	—	نقش کنده	*	منوجان		بدنه
	محمدی مقدم، ۱ ۳۹۵:۵ ۲	گلی	—	نقش کنده	*	جیرفت	سلجوقی	بدنه